از سوی علی نصیریان در بیستمین جشن سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان تئاتر مطرح شد

ابراز تاسف از وضعیت اشتغال هنرمندان تئاتر در دوران کرونا

مراسم بیستمین سالروز تاسیس انجمن منتقدان و نویسندگان تئاتر ایران با اهدای تقدیرنامه عالی یونسکو به علی نصیریان، با پیشنهادی از صادق زیبا کلام و با اهدای جوایز برگزیدگان مسابقه مطبوعاتی برگزار شد.

به گزارش ایسنا در این برنامه که در موزه ملی ایران برگزار شد، تقدیرنامه عالی یونسکو توسط ایرج راد، رئیس هیات مدیره خانه تئاتر و حجت‌الله ایوبی، دبیر کل یونسکو به پاس یک عمر فعالیت هنری به علی نصیریان اهدا شد.

نصیریان به هنگام دریافت این تقدیرنامه با تاکید بر جریان‌ساز بودن تئاتر و لزوم ثبات گروه‌های تئاتری، از وضعیت معیشتی هنرمندان تئاتر در دوران کرونا ابراز تاسف کرد و آن را فاجعه‌بار خواند.

او از تلاش‌های ایوبی و رسول صادقی، مدیر فرهنگی یونسکو به عنوان دو مدیر تلاشگر فرهنگی تقدیر کرد و بر اهمیت و حساسیت کار مدیران فرهنگی تاکید کرد.

او گفت که بیش از هفتاد سال است که فعالیت هنری می‌کند و با دیدن نمایش‌های آیینی سنتی خودمان و فیلم‌های آمریکایی آن دوره، دلبسته تئاتر شده است.

نصیریان از فقر امکانات در شروع فعالیت هنری خود یاد کرد و افزود: دو دهه با فقر و فاقه کنار خیابان تمرین تئاتر کردیم، نه کتابی بود نه استادی، نه کلاسی. تنها شاهین سرکیسیان بود که سرنخ‌هایی به ما می‌داد و در ادامه هم که هنرمندان از فرنگ برگشته آمدند و بتدریج سرنخ‌های دیگری به ما دادند. ما آن زمان به فکر تقدیر و تشویق نبودیم و دلبسته تئاتر شده بودیم.

او سپس از وضعیت اشتغال هنرمندان تئاتر در دوران کرونا ابراز تاسف کرد و گفت: بسیاری از بچه‌های تئاتری در این مدت بیکار شدند. مرکز هنرهای نمایشی کمک‌هایی کرده ولی کافی نیست، وضعیت معیشت هنرمندان تئاتر فاجعه‌بار است.

نصیریان سپس تاکید کرد: نسل ما که تمام شد، ما خودساخته بودیم اما به جوانان می‌گویم دست‌تان را بر زانوی خود بگیرید و کار کنید چراکه خلاقیت باید در نهاد و جوهره شما باشد. منتظر دولت و پول و کمک هیچ کس دیگری نباشید. اول خود را بشناسید و آن جوهره را بیابید. در ادامه هم کلاس و استاد به کمک‌تان می‌آید.

او سخنان خود را این گونه به پایان رساند: ما با فقر و فاقه کار کردیم و بعد به اداره هنرهای دراماتیک رفتیم ولی انگ دولتی به ما زدند در حالیکه فقط یک حقوق بخور و نمیر از دولت می‌گرفتیم.

در تئاترهایتان، فرهنگ مردسالارانه را نقد کنید

سپس با پخش یک کلیپ و با حضور علی اکبر قاضی‌زاده و امرالله فرهادی از حسن نمکدوست، روزنامه‌نگار مطرح ایران تقدیر شد. در ادامه با پخش کلیپی دیگر و با حضور صادق زیباکلام از گروه تئاتر «تازه» به عنوان گروه فعال تئاتر در سال ۹۸ تقدیر شد.

اعضای این گروه، یوسف باپیری، اشکان خیل‌نژاد، هوتن شکیبا، نوید محمدزاده و آرمان کوچکی هستند.

زیبا کلام به هنگام تقدیر از این گروه از هنرمندان تئاتر خواست نمایش‌هایی را در نقد فرهنگ مرد سالارانه موجود بسازند.

او که چندی پیش برای نجات یک زندانی محکوم به اعدام وارد عمل شده بود، گفت: من سیاسی‌نویسم و حرف‌هایم به دل نمی‌نشیند و نمی‌توانم برای از بین بردن فرهنگ ملعون مردسالارانه کاری کنم ولی شما هنرمندان تئاتر می‌توانید تئاترهایی اجرا کنید که نشان دهد مردانگی به این نیست که خواهران و همسران شما از چاقو و قمه‌تان بترسند بلکه مردانگی به این است که دل آنان به شما گرم باشد و بدانند که پشت‌شان می‌ایستید.

یوسف باپیری هم به نمایندگی از این گروه جوان تاکید کرد که استقلال گروه‌های نمایشی در گرو استقرار آنها در مکان‌هایی مشخص است. او آرزو کرد خانه تئاتر خانه همه اهالی تئاتر باشد و نه فقط بخشی از آن و بعضی از سیاستگذاری‌های آن اصلاح شود.

مشکل بزرگ ما، بی مساله بودن است

سپس با پخش کلیپی دیگر مراسم نکواداشت حسین کیانی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر برگزار شد. برای تقدیر از این هنرمند ژاله آموزگار، اسطوره‌شناس و پژوهشگر و محمدرضا اصلانی، فیلمساز روی صحنه رفتند.

کیانی در آغاز از استاد خود حمید سمندریان یاد کرد که گفته بود استاد کسی است که شاگردانش تصور کنند هرگز به او نمی‌رسند. او بی‌مسالگی و شبه‌مسالگی را از بزرگ‌ترین مشکلات امروز تئاتر ایران دانست و افزود: شاید امروزه در تئاترمان دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های خوب داشته باشیم و فارغ‌التحصلان زیادی تحویل جامعه داده باشیم ولی بی‌مساله بودن در تئاتر بسیار خطرناک است و از آن بدتر شبه مساله بودن است و به همین دلیل تئاتر امروز ما مسایل جامعه خود را مطرح نمی‌کند .

این هنرمند از غلامحسین ساعدی و بهرام بیضایی یاد و ابراز تاسف کرد که آثار این دو نویسنده در تئاتر امروز کشورمان اجرا نمی‌شود.

کیانی ادامه داد: در حال حاضر تئاتر ما به یک فعالیت اجرایی خوش‌قواره و پول‌ساز تبدیل شده ولی آثاری که مسایل جامعه را مطرح کنند یا کار نمی‌شود یا جلویش گرفته می‌شود.

ژاله آموزگار هم به هنگام تقدیر از این هنرمند گفت: ما در برابر شما هنرمندان هیچ هستیم چراکه شما میزبان تاریخ هستید اما مفتخرم در این دریای پرتلاطم هنوز فعالم.

صادق هدایت به روایت علیرضا آسانلو در گالری مژده

علیرضا آسانلو تازه ترین مجموعه نقاشی‌هایش را اول بهمن ماه در گالری مژده رونمایی کرد. «دیدار به قیامت» عنوان این مجموعه است که ده اثر با موضوع سیری در تفکر صادق هدایت را نمایش می‌دهد.

بهناز رضائی فرد، پژوهشگر هنر، در متنی برای معرفی مجموعه دیدار به قیامت علیرضا آسانلو نوشته است: «در این مجموعه با اندکی تأمل میتوان دریافت، پرتره‌های صادق هدایت با تخیّل،احساس و تجسم هنرمند و با گفته پردازی خاص او به صورتهای مختلف و با بیانی متفاوت، بدون ارجاع بیرونی، از نو خلق شده اند، گوئی می‌خواهند ذهن مخاطب و بیننده، با سیری پیوسته و مداوم، بین دو عالم تخیل و عالم واقع، در تکاپو باشد و همراه با لذت این سیر و تکاپو، خود مخاطب، به شناختی نمادین از سوژه دست یابد.»

علیرضا آسانلو متولد ۱۳۵۳ در حیطه نقاشی، طراحی و مجسمه، بیش از ده نمایشگاه انفرادی وجمعی داشته که اکثر آنها برای فروش ارائه نشده و تاکید هنرمند بر مضامین ارزشی یعنی زندگی به عنوان اصلی ترین موضوع و انسان، عالی‌ترین پرسوناژ برای پرداختن بوده و ثمره ی این تلاش شش نمایشگاه انفرادی طراحی و نقاشی است.

در حوزه ی مجسمه سازی، شاخص ترین آثار وی، ساخت مجسمه‌های فیگوراتیو مفهومی با بیانی منحصر به فرد است و همچنین از دیگر فعالیت‌های وی در این زمینه ساخت سردیس‌هایی از بزرگان فرهنگ و هنر سرزمین مان است.

مجسمه‌های برنزی از ملک الشعرای بهار، استاد محمد رضا شجریان، استاد عزت الله انتظامی، استاد غلامحسین امیرخانی، مرتضی ممیز، جلیل شهناز، پروفسور رضا، پروفسور ستوده، پروفسور گنجی، زنده یاد عباس کیارستمی، پرویز تناولی، محمد احصایی، پرویز کلانتری، غلامرضا تختی، سلمان هراتی و ضیاالدین امامی که در اماکن فرهنگی و هنری و دانشگاهی و موزه‌ها نصب است، از جمله آثار شناخته شده اوست.

در سال ۱۳۹۵ در اولین سمپوزیوم بین المللی نقاشی پاریس از طرف یونسکو دعوت شد، و در حضور هنرمندان مدعو مسترکلاس برگزار کرد، علیرضا آسانلو در سفر خود به آمریکا در سالهای ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ با نمایش آثار خود در واشنگتن و مریلند سخنرانی‌هایی متعددی درباره روند تاریخ هنر معاصر ایران ایراد نمود.

بازگشت بیتا وکیلی با یک باغ زیبا پس از پنج سال

بیتا وکیلی، با رویکردی تازه و پس از پنج سال، تازه ترین مجموعه نقاشی‌هایش را عصر جمعه اول بهمن ماه در گالری ایوان به تماشا می‌گذارد. «این باغ، تاریخ است »، عنوان این نمایشگاه است؛ ۱۶ تابلو که همگی در دو سال اخیر خلق شده اند با اندازه‌های مختلف به نمایش درمی‌آیند. به عنوان استیتمنت نمایشگاه این متن منتشر شده است: -«خانم! شما تنهایی توی این باغ، تمام روز، چه‌کار می‌کنید؟» -«مثل تو، پرسه می‌زنم!» گربه، آن « زن-تاریخ » باستانی را بو کشید و گفت: «می‌خواهید چیزی را فراموش کنید؟» زن گفت:«نه! برعکس! می‌خواهم به یاد بسپارم» گربه گفت:«پس بهتر است با من به قلب باغ بیایید»

این نمایشگاه انفرادی بیتا وکیلی پس از ۵ سال در ایران برگزار می‌شود؛ این نقاش شناخته شده انتزاعی با عبوری نرم و نازک از تم شناخته شده اش جلوه‌های تصویری آرامش بخش و چشم نوازی را پدید آورده است.

بیتا وکیلی، متولد ۱۳۵۲ تهران، نقاشی را از دوران دبیرستان شروع و حدود ۲۸ سال است که به طور حرفه ای مشغول نقاشی است، تحصیلات او کارشناسی نقاشی از دانشکده هنرِ دانشگاه آزاد و کارشناسی ارشد نقاشی از دانشکده هنر تهران است.

آثار او در ۹ نمایشگاه انفرادی، هفت دوره حراجِ تهران، چندین دوره حراج کریستیز و بیش از ۸۰ نمایشگاه گروهی در ایران، دبی، کانادا، آمریکا، فرانسه، چین، مالزی، موناکو، ارمنستان، عمان، و انگلستان ارائه شده است.

در کارهای اخیر بیتا وکیلی سویه نقاشی از انتزاع محض به سوی فضای ساخت و ساز دچار تحول شده است،

او می‌گوید: حرکت از سمت انتزاع به سمت نقاشی فیگوراتیو و ترکیب این دو با هم، به تدریج و بیشتر از یک دهه است که در کارهای من اتفاق افتاده است.

انتزاع محض تقریبا مربوط به آثاری می‌شد که در ۱۵ سال اولیه فعالیت هنری من خلق شده بودند، در پانزده سال اخیر، پنج سال اول قسمت بیشتری از فضای آثارم را فضای انتزاعی در بر می‌گرفت، ولی اشاره‌هایی هم به نقاشی فیگوراتیو در آنها دیده می‌شد. به مرور زمان و در کنار هم قرار گرفتن این دو فضا و حرکت به سمت اینکه قسمتهای بیشتری از کارهایم به فضاهای نقاشی فیگوراتیو اختصاص داده شود، بیشتر شد.

در اختتامیه جشنواره موسیقی جوان صورت گرفت

وعده حسین علیزاده برای حمایت از نوابغ موسیقی

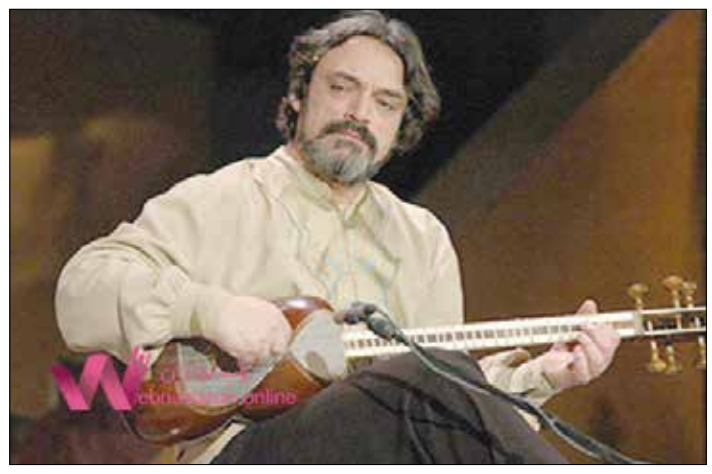

حسین علیزاده در اختتامیه جشنواره موسیقی جوان درباره حمایت از شرکت‌کنندگان این رویداد بیان کرد: تصمیم‌هایی برای استعدادهای خاص شرکت کننده جشنواره موسیقی جوان مبنی بر برگزاری آموزش‌های فوق العاده برای آنها به گونه‌ای که کارشان ادامه پیدا کند، در نظر گرفته شده است.

این هنرمند در تکمیل گفته‌هایش تاکید کرد: «تا زمانی که توان داریم عشق ما به جشنواره جوان و بچه‌های جوان ادامه خواهد داشت؛ زیرا نفسمان و امیدمان به آنها بستگی دارد و زمانی که آنها حضور داشته باشند، سرحال باشند، بنوازند، بخوانند و بسازند ما هم زنده خواهیم بود.»

به گزارش ایسنا، مراسم اختتامیه پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان شامگاه به صورت مجازی برگزار شد.

در این مراسم حسین علیزاده ـ مشاور عالی جشنواره موسیقی جوان، آهنگساز و موسیقیدان ـ در سخنانی گفت: موسیقی یعنی خود عشق گفت. واقعا جای تشکر دارد از خانواده‌هایی که در شرایط سخت اقتصادی از فرزندان خود پشتیبانی می‌کنند تا هنر موسیقی را فرا گیرند. شاید اگر به گذشته جشنواره بازگردیم، همیشه می‌گفتیم که امیدواریم از این رویداد استقبال شود و فرزندانی به وجود بیایند که این موسیقی را نگه داشته و پیش ببرند. خوشبختانه دوره پانزدهم خیلی سرافراز و با افتخار برگزار شد و نوید اتفاقات خوبی را داد.

علیزاده با تأکید بر تداوم جشنواره موسیقی جوان افزود: مشکل هر چیزی در کشور ما این است که تداوم ندارد؛ به خصوص کارهای فرهنگی و هنری که دیدگاه‌های مختلف به آن، باعث می‌شود این تداوم به طور اتفاقی یا عمدی از جایی قطع شود.

او بیان کرد: نکته محسوس پانزده دوره از برگزاری جشنواره تداوم است؛ تداومی که عشقی به وجود آورده و کسانی که جزو هیات داوران و استادان این هنر هستند، به محض فرا رسیدن موعد جشنواره، مشتاق حضور در آن هستند. این جشنواره بین خود ما نیز دوستی‌های خیلی عمیقی به وجود آورده است؛ زیرا تنها جایی بوده که درباره هنر موسیقی صحبت کرده و صمیمانه و حقیقی افکار خود را رد و بدل کرده‌ایم.

داور جشنواره ملی موسیقی جوان در ادامه گفت: ثمره این جشنواره مدیون همه شرکت کنندگان و دست اندرکاران جشنواره است و کار ساده‌ای نبوده که تا به امروز ادامه داشته باشد. خوشبختانه زمانی که به این تداوم نگاه می‌کنیم حتی با اینکه شرایط اجتماعی به گونه‌ای نیست که از نزدیک یکدیگر را ببینیم ولی میوه این دوره از جشنواره خیلی لذت بخش و خوشمزه بود. بارها در این جلسات اشک ریختیم، بارها شاد شدیم و بارها و بارها انرژی کسب کردیم. واقعا برای ما که دست اندکار موسیقی هستیم و قرار است این هنر را به وجود بیاوریم انرژی مضاعف شد و خوشحال شدیم که این زحمات ثمر پیدا کرده است.

این آهنگساز گفت: امسال جشنواره در رشته‌های مختلف نوازندگی و خلاقیت بسیار درخشان بود.

جشنواره موسیقی جوان نسبت به دوره‌های اول نگاهش را تا حدودی تغییر داده و بازنگری ایجاد کرده است.

این رویداد در بخش خلاقیت و آهنگسازی به ذهنیت شرکت کنندگان می‌پردازد. زمانی که قطعات را می‌دیدیم، حیران بودیم و نمی‌دانستیم کدام را انتخاب کنیم. کارهای ارسالی اصلا ترجیح دادنی نبود و فقط بر اساس سنت رتبه‌های اول، دوم و سوم را طبق نظر جمعی انتخاب کردیم. ولی جا دارد بگوییم همه آنهایی که شرکت کردند برنده هستند؛ چون احساسات ما را برانگیختند و حس بسیار بسیار خوبی داشتیم. نتیجه این است اگر عده‌ای یک هدف واحد را با عشق و ایمان دنبال کنند، حتما ثمر می‌دهد. این هنرمند با بیان اینکه همه ارگان‌ها وظیفه شان حمایت است، گفت: تمامی ارگان‌ها در خدمت مردم هستند نه مردم در خدمت ارگان‌ها. به همین خاطر ارگان‌ها باید کار کنند تا مردم، آن کارها و فکرهای خوبی که دارند را پیش ببرند.

امیدوارم این روند در آینده به همین شکل ادامه پیدا کند. اگر هم نشد باز هم امیدوارم به هر شکلی که شده حتی اگر دولت هم نخواهد پشتیبانی کند بخش خصوصی این مسئله را دنبال می‌کند و افتخار ایران اتفاق افتاده است.

ما جوان‌هایی در سن‌های بسیار پایین داریم که واقعا نابغه هستند و آینده بسیار درخشانی دارند.

بهزاد فراهانی:

فرزند رادیو هستم

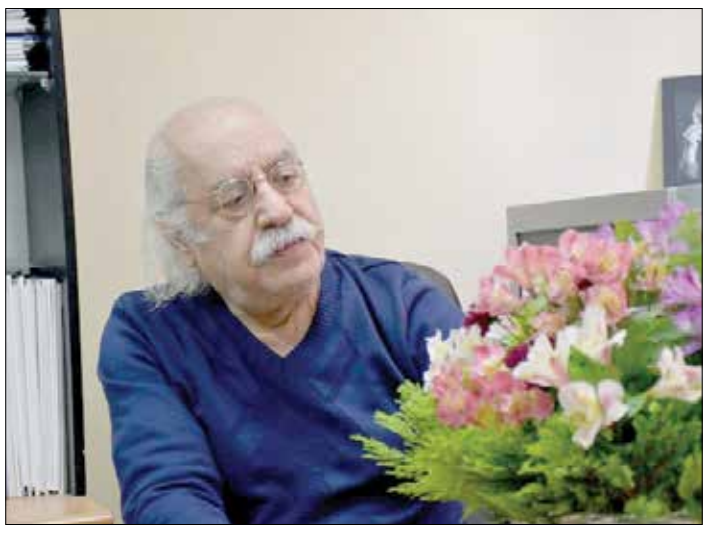

بهزاد فراهانی با بیان این‌که خود را فرزند رادیو می‌داند، می‌گوید: از روستا به این شوق و علاقه به تهران آمدم که می‌خواستم بدانم چه کسانی در رادیو کار می‌کنند و می‌خواستم متوجه شوم که برنامه‌های رادیو چگونه ساخته می‌شود و همین پیگیری‌ها باعث شد تا در ۱۶ سالگی برای اولین بار به استودیو رادیو برم.

به گزارش روابط عمومی موزه سینمای ایران، موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود بخش‌هایی از گفت‌وگوی تاریخ شفاهی بهزاد فراهانی را منتشر کرده است که در ادامه می‌خوانید:

بهزاد فراهانی با بیان اینکه دهقان زاده‌ای اهل فراهان است، گفت: تحصیلاتم را در یکی از دانشکده‌های مهم فرانسه به پایان رساندم و همچنین شاگرد اساتیدی همچون شاهین سرکیسیان، عباس جوانمرد بودم.

او با اشاره به اینکه علاقه شخصی‌اش به کارگردانی، نویسندگی و بازیگری است، ادامه داد: هشت ساله بودم که از مکتب خانه روستایمان برای تحصیل به تهران آمدم و با کسانی آشنا شدم که تئاتر را دوست داشتند. فراهان ۳۶۰ روستا دارد و اغلب ساکنان آنجا باسواد هستند و روستایی به نام واشقان دارد که من حدود یک سال در آنجا معلم بودم. در این روستا تا دختران خط خوش یاد نگیرند حق ازدواج ندارند.

فراهانی خاطرنشان کرد: مادرم شاعر و پدرم دهقان بود و در تعزیه شهادت خوانی می‌کرد و در تعزیه به جای حضرت عباس (ع) صحبت می‌کرد و همه تماشاگران تحت تاثیر قرار می‌گرفتند زیرا کارش بسیار حماسی بود.

او با اشاره به اینکه در منزل دایی خود در تهران زندگی می‌کرد و درس می‌خواند گفت: یادم می‌آید در آن زمان دوستانم در کوچه از سینما و فیلم صحبت می‌کردند و من از خاله‌ام تقاضا کردم که سفارش من را به دایی‌ام کند تا اجازه بدهد به سینما بروم. در شرق تهران سه سینما به نام‌های سینما ژاله، مراد، سیروانا وجود داشت و اولین حضور من در سینما و برخوردم با فیلم در این سالن‌ها همراه با بهت و حیرت بود اما وقتی برای اولین بار به سینما رفتم بسیار خوشحال شدم.

فراهانی با اشاره به علاقه خود به رادیو نیز گفت: من خودم را فرزند رادیو می‌دانم. از روستا به این شوق و علاقه به تهران آمدم که می‌خواستم بدانم چه کسانی در رادیو کار می‌کنند و می‌خواستم متوجه شوم که برنامه‌های رادیو چگونه ساخته می‌شود و همین پیگیری‌ها باعث شد تا در ۱۶ سالگی برای اولین بار به استودیو رادیو برم و در ۱۷ سالگی به عنوان یکی از اولین جوان‌ها در نمایش‌های داستان شب حضور پیدا کردم. زمانیکه من در رادیو فعالیت داشتم، داستان شب تنها سرگرمی جدی مردم در رادیو بود. در ۲۰ سالگی توانستم کارگردان شوم و در ۲۲ سالگی توانستم زیباترین داستان شب رادیو را به کمک ابراهیم مکی و اصغر شرفی بنویسم، اجرا کنم و برای آن جایزه بگیرم.

فراهانی با اشاره به اینکه از کودکی تعزیه خوان بوده است، گفت: من از شش سالگی به اصطلاح بچه خوان تعزیه‌های پدرم بودم. پدرم شهادت‌خوان بود و من پسر حر را خواندم و حتی علی اکبرخوانی نیز کردم.

او بیان کرد: رادیو برای من بهترین پیک بود زیرا صدایم را به خانواده، دوستان و مردم می‌رساند.

فراهانی در ادامه با اشاره به نقش همسرش در زندگی و فعالیت‌های شغلی‌اش گفت: همسرم از من خواست تا تحصیلاتم را تکمیل کنم و من بعد از کسب دیپلم و قبول شدن در دانشگاه با او ازدواج کردم.

نگاه

نگاهی به تازه‌ترین ساخته اصغر فرهادی
کهن الگوی قهرمان

رویا سلیمی

دوربین اصغر فرهادی در آخرین ساخته‌اش، علیرغم دیگر آثارش، طبقه متوسط را محور قرار نداده است. قهرمان فیلم مردی است که به دلیل بدهی در زندان به سر می‌برد. این بار از انتقاد به طبقه متوسط خبری نیست. آنچه مطرح است، انتخاب میان نفع شخصی یا حق دیگران در شرایط بحران اقتصادی است. شخصیت اصلی با توجه به نیاز مالی که دارد، سعی می‌کند انتخاب درستی داشته باشد. در سکانس دوم فیلم که با لانگ شاتی از بنای نقش رستم آغاز می‌شود، قهرمان را در قامت کهن الگویی قرار می‌دهد که سفر خود را در میان انتخاب‌ها آغاز می‌کند و آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، شکل دادن و در نهایت تخریبش از سوی جامعه است. فیلمساز با انتخاب مکان نقش رستم و نمای لانگ از این بنای تاریخی، قرارداد برخورد نمادین با اثر را با مخاطب منعقد می‌کند. دوربین با حرکت ملایم نما را به کلی ارائه می‌دهد و رحیم با بازی امیر جدیدی از سمت چپ کادر به آرامی در بنای غول آسای نقش رستم گم می‌شود. او را در پلان بعدی مشغول بالا رفتن از این بنا می‌بینیم و پس از اینکه با مشقت هزاران پله را بالا می‌آید، هنوز نفس تازه نکرده او را به برگشتن از مسیری که آمده، مجبور می‌کند. تمام سرنوشت قهرمان در همین سکانس خلاصه می‌شود. در ادامه ساز و کار و نحوه تبدیل شدن او را به یک قهرمان و سپس بازپس گرفتن این عنوان از او می‌بینیم. از نگاه فیلمساز، مقصر احساس کاذب قهرمان پروری یا تخریب آن، رسانه‌ها هستند. فیلم به شکلی انتقادی با رسانه‌ها برخورد یک جانبه داشته و آنها را کنترل کننده اذهان عمومی در مسائل مختلف عنوان می‌کند. در «قهرمان» این رسانه است که کنشگری اجتماعی را به عهده دارد و مشارکت کنندگان را به مومی در دست شبکه‌های اجتماعی تشبیه می‌کند. بدین معنی که اگر قهرمانی قرار است در جامعه معرفی شود، این نقش بر عهده رسانه است و رسانه تنها مرجعی است که افکار را به سمت قهرمانی که معرفی کرده هدایت می‌کند. در کنار این نگاه انتقادی که رسانه‌ها را سوگیر و منفعت طلب معرفی می‌کند، نقش آنها را بسیار پر رنگ می‌داند. رحیم اعتبارش را از روزنامه زیر بغلش می‌گیرد که در آن با او مصاحبه‌ای انجام داده‌اند و خود را به آن ارجاع می‌دهد. الصاق شخصیت اصلی فیلم به منابعی که در رسانه از او یاد کرده‌اند، نقش بی بدیل رسانه را گوشزد می‌کند. اما آنچه که با واقعیت سینمای واقع‌گرا متفاوت است، عدم درک درست مخاطب ایرانی در مواجهه با رسانه است. افراد نه تنها به واسطه مصاحبه در یک روزنامه محلی به چنین شهرتی نمی‌رسند، بلکه مصاحبه در تلویزیون و پخش از شبکه استانی نیز برای مخاطب امروزی شناخت و شهرتی ایجاد نمی‌کند. او در کوران اطلاعات متفاوت و انبوه، انتخابگر بوده و شبیه توده بی شکلی که رسانه نقش هدایتگری را برای او در نظر بگیرد، نیست. اما تا اینجا می‌توان گفت که اشکالی بر این انتقاد وارد نیست و فیلمساز می‌تواند از منظر خود به نقد رسانه‌ای شدن واقعیت بپردازد. اما وقتی این نگاه در روند روایتگری نقش گره افکنی را ایفا کرده و مسیر حوادث را مشخص می‌سازد، این نگاه از پیگیری مخاطب در مسیر فیلم دو ساعته می‌کاهد. وقتی رحیم برای راضی کردن برادر نامزدش خود را به مصاحبه در روزنامه الصاق می‌کند، یا برای گرفتن فیلم دوربین مداربسته، لوح تقدیرش را ملاک قرار می‌دهد و به تناوب این اتفاق تکرار می‌شود، موقعیت‌های به وجود آمده نسبتی با واقعیت برقرار نمی‌کنند.

نکته دیگر در برخورد جامعه با قهرمان، احساسات‌گرایی و قهرمان پروری کاذب است. جامعه توده‌واری که منابع شناخت خود را از چند فیلم دوربین مداربسته دریافت می‌کند و صفر و صدی مسائل را تحلیل می‌کند، به راحتی می‌تواند جای قهرمان و ضد قهرمان خود را عوض کند. در اینجا گویی جامعه مقابل قهرمان است و فیلمساز در کنار اوست. در همان سکانس مرمت بنای نقش رستم، وقتی قهرمانش را وصل به اسطوره‌ها می‌کند، او را از جهتی دست نیافتنی و از جهت دیگر تک و دورافتاده می‌داند. قهرمانی که گویی در تنهایی و در خلوت انتخاب‌های خود، می‌تواند از نفع شخصی بگذرد و خود را جای مالباخته بگذارد. اما وقتی در تعامل با جامعه قرار می‌گیرد، محکوم به دروغ‌گویی و نقشه‌کشی برای رسیدن به حداقل‌هایی است که همین جامعه از او دریغ کرده است. سادگی و صمیمت او در جبر اجتماعی جایش را به نقش بازی کردن و دورویی می‌دهد. مجبورش می‌کند روایت یافتن سکه‌ها را از زبان اول شخصی بگوید که او نیست. در به دست آوردن شغلی ناچیز در یک اداره، با چالشی مواجه می‌شود که دروغ‌گویی را پیش پایش قرار می‌دهند. او که ظاهرا بی توقع دست به اقدامی انسانی زده است، حالا باید اثبات کند که اساسا این موضوع چقدر صحت دارد. او وقتی قهرمان است که تنهاست. فیلم با بیرون آمدن او از زندان آغاز می‌شود و با بازگشت او به زندان به اتمام می‌رسد. قهرمان فرهادی در زندانی به دور از جماعت مرده باد و زنده باد می‌تواند قد بکشد. و مادامی که در تعامل با جامعه از مسئولین زندان تا خانواده و محیط کار و بدهکارش قرار می‌گیرد، چهره ساده قهرمان رنگ می‌بازد و خود را بی اینکه بداند، خاکستری می‌کند. در سکانس پایانی، جعبه شیرینی زندانی دیگر را به او می‌دهند که در میان زندانیان پخش کند. انگار قهرمان به ذات اصلی خود بازمی‌گردد و چهره ساده و بی غل و غش خود را در دالان تاریکی که نشسته است دوباره باز می‌یابد. در «قهرمان» به نظر می‌رسد جامعه توده وار نمی‌تواند قهرمان را در خود جای بدهد و میل سیری ناپذیر او به قضاوت و تخریب، جایی برای مفاهیم انسانی باقی نمی‌گذارد. در این میان نهادهای مردمی مانند خیریه‌ای که در فیلم مطرح می‌شود و بدهکاری که روزی از سر خیرخواهی به رحیم کمک کرده بودند، تشنه قهرمان شدن هستند و در این مسیر رقابتی بی چون و چرا و بی نتیجه را دنبال می‌کنند. لاجرم در این جامعه، قهرمان خوب یا مرده است یا در بند. یا باید از دور و در کهن الگوها او را با فاصله تاریخی در گوشه ذهن مخاطب رسانه زده امروز نگه داشت یا در جمع کوچک محبوسی بی نام و نشان فراموشش کرد. فراموشی از این باب که او دیگر تمایلی هم به شناساندن خود به جامعه ندارد و برای ورود به دنیایی که از آن آمده بود، تغییر چهره می‌دهد و با ظاهری جدید وارد زندان می‌شود. آنجاست که حراست زندان هم او را نمی‌شناسد و با تعجب نامش را می‌پرسد. دیگر خبری از مصاحبه روزنامه‌ها و فیلم تلویزیونی نیست. او به راحتی و با سرعت فراموش شده است. فرهادی این بار انتقاد خود را معطوف به طبقه متوسط نکرده، بلکه صحبت از اجتماعی توده‌وار می‌کند که رسانه آن را ابزار دست خود قرار داده است. در این تحلیل و برخورد، شناخت درستی از کنشگری مشارکت‌کننده ندارد و آن را با مخاطب صرف اشتباه می‌گیرد.

خبر

کارگردان «اَنگل» فیلم علمی-تخیلی می‌سازد

«بونگ جون-هو» کارگردان برنده اسکار کره‌ای پروژه بعدی سینمایی خود را برای کمپانی برادران وارنر با بازی «رابرت پتینسون» خواهد ساخت.

به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی، پروژه جدید سینمایی «بونگ جون-هو» یک فیلم علمی-تخیلی با اقتباس از رمان «میکی ۷» نوشته «ادوارد اشتون» خواهد بود و «رابرت پتینسون» در حال مذاکره برای پیوستن به این فیلم به عنوان بازیگر اصلی است.

داستان این رمان درباره یک کارمند یکبار مصرف در یک ماموریت انسانی است که برای استعمار «دنیای یخی نیفهایم» فرستاده شده است که اجازه نمی‌دهد «کلون» جایگزین خود، با نام میکی ۸، جای او را بگیرد. این رمان قرار است به صورت رسمی در فوریه ۲۰۲۲ منتشر شود.

این دومین قرارداد «بونگ جون-هو» با کمپانی برادران وارنر در چند ماه اخیر است. این کارگردان کره‌ای هم‌اکنون مشغول ساخت یک مینی‌سریال بر اساس فیلم موفق «اَنگل» با همکاری «آدام مک‌کی» برای شبکه HBO است.

فیلم «اَنگل» ساخته «بونگ جون-هو» در سال ۲۰۲۰ پس از کسب جایزه نخل طلای کن در جوایز اسکار نیز تاریخ‌ساز شد و توانست جوایز مهم بهترین فیلم، کارگردانی و فیلم بین‌المللی را به خود اختصاص دهد. این فیلم پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای کره جنوبی و نخستین فیلم غیرانگلیسی‌زبان برنده جایزه شاخه بهترین فیلم جوایز اسکار است. «خاطرات یک قتل»، «برف شکن»، «سگ‌هایی که پارس می‌کنند گاز نمی‌گیرند»، «مادر» و «اوکجا» از دیگر آثار این کارگردان کره‌ای محسوب می‌شود.